



نسبت بین حکمرانی اسلامی و جمهوریت در قالب نظام جمهوری اسلامی

محمد مهدی نورایی یگانه^۱، محمد حسن محمدی مظفر^۲

چکیده:

حکمرانی اسلامی و جمهوریت دو مفهوم کلیدی در نظام سیاسی جمهوری اسلامی ایران هستند که نسبت این دو جمع بین حکمرانی اسلامی و جمهوریت در قالب جمهوری اسلامی ایران است که مسئله این پژوهش را شکل می‌دهد. تبیین این مسئله نیازمند توازن دقیق بین اصول دینی و نیازهای اجتماعی می‌باشد. در پاسخ پرسش اصلی این پژوهش این است که نسبت بین حکمرانی اسلامی و جمهوریت در قالب نظام جمهوری اسلامی چیست؟ یا چگونه اصول حکمرانی اسلامی با اصول جمهوریت در قالب نظام جمهوری اسلامی قابل جمع می‌باشد؟ با روش کیفی و مبتنی بر مطالعات کتابخانه‌ای مشخص می‌شود با آنکه یکی از چالش‌های اصلی جمع بین حکمرانی اسلامی و جمهوریت، تعارض اصولی است که ممکن است منجر به تضاد در تصمیم‌گیری‌ها شود، به چه شکل تقویت نهادهای مدنی می‌تواند به افزایش مشارکت عمومی و تقویت بنیادهای حکمرانی مردمی کمک کند. اصلاحات قانونی برای هم‌راستا کردن قوانین با اصول اسلامی و حکمرانی مردمی می‌تواند به تحقق این اهداف مشترک کمک کند تا الگویی مناسب و کارآمد دارای قابلیت اجرایی نیز باشد. نظام جمهوری اسلامی ایران به عنوان یک الگوی منحصر به فرد، تلاش دارد تا اصول حکمرانی اسلامی را با مفاهیم حکمرانی مردمی و جمهوریت ترکیب کند. این نظام به دنبال ایجاد تعادل میان اقتدار دینی و اراده مردمی است. بررسی اشتراکات بین حکمرانی اسلامی و جمهوریت همچنین حل معضلات و رفع چالشها در نظام جمهوری اسلامی می‌تواند به فهم بهتر از این الگوی حکمرانی کمک کند.

واژگان اصلی: اندیشه سیاسی در اسلام، جمهوریت، حکمرانی اسلامی، نظام جمهوری اسلامی.

مقدمه

جمهوری اسلامی ایران به عنوان یک نظام سیاسی منحصر به فرد، ترکیبی از اصول اسلامی و حکومت مردمی را در خود جای داده است. این نظام در سال ۱۳۵۷ با هدف ایجاد حکمرانی اسلامی و تحقق آرمان‌های امام راحل (ره) و مردم مسلمان ایران تأسیس شد. در این مقاله، به بررسی چگونگی تعامل و هم‌افزایی بین حکمرانی اسلامی و جمهوریت از طریق نظارت عمومی مردم می‌پردازیم. لذا از آنجایی که یکی از هنرها و ظرافت‌ها در اداره امور جامعه این است که بتوان با حفظ ارزشها و ملاکها و معیارهای دینی نه تنها از آراء نخبگان سیاسی جامعه، بلکه تا جای ممکن از آراء و نظرات عموم جامعه و مردمی که می‌توانند در نظارت در سرنوشت خود سهیم باشند در قالبهایی مثل انتخابات سالم و فراگیر و یا همه پرسی در چارچوبه‌ی قانونی بهره گرفت، مسئله این پژوهش این است که جمع بین حکمرانی اسلامی و جمهوریت، در این نظام (جمهوری اسلامی) چگونه و از طریق چه ابزارهای قانونی و ظرفیتهای سیاسی و با تکیه بر چه آموزه‌های دینی و فرهنگی می‌تواند محقق شود؟ آنچه اهمیت و ضرورت پرداختن به این موضوع را چند برابر می‌کند این است که در شرایط کنونی، جامعه ایران با چالش‌های متعددی در زمینه‌های سیاسی، اقتصادی و اجتماعی مواجه است. این چالش‌ها، از جمله فساد اداری، بی‌اعتمادی به ساختارهای اداری، ضرورت پرداختن به موضوع نظارت سیاسی مردم را بیش از پیش نمایان می‌سازد. مشارکت عمومی به عنوان ابزارهایی مهم برای تقویت و ایجاد یک نظام حکمرانی شفاف و پاسخگو، می‌تواند نقش بسزایی ایفا کند. با توجه به تحولات سریع اجتماعی و فرهنگی در ایران، نیاز به بازتعریف و تبیین نقش مردم در نظارت بر مسئولان و تصمیم‌گیران نظام بیشتر احساس می‌شود. نسل‌های جدید، به‌ویژه جوانان، به دنبال مشارکت فعال‌تر در فرآیندهای سیاسی و اجتماعی هستند. استفاده از این نیروهای جوان و کارآمد اقتضاء می‌کند برای مقابله با افزایش موارد فساد و نارضایتی عمومی از عملکرد مسئولان، سازوکارهای مؤثر برای نظارت بر عملکرد آنان ایجاد شود.

نظارت مؤثر مردم بر نظام سیاسی می‌تواند به توسعه پایدار جمهوری اسلامی کمک کند. چرا که یکی از اصول بنیادین نظام جمهوری اسلامی، مشارکت مردم در تعیین سرنوشت خود است. آنچه این پژوهش را جدید و متمایز از دیگر تحقیقات مشابه می‌کند این است که در این پژوهش با توجه به تجربه چهل و هفت ساله نظام، چالشهای عملی و مصداقی جمع بین حکمرانی اسلامی و جمهوریت در قالب نظام جمهوری اسلامی مورد پردازش و بررسی قرار گرفته است.

پیشینه این پژوهش:

در این خصوص پیشینه‌ی نسبتاً قابل توجه‌ای که می‌توان به آن اشاره کرد: "نظارت سیاسی مردم در نظام جمهوری اسلامی" است که به بررسی نقش مردم در نظارت بر سیاست‌های دولتی و انتخاباتی در جمهوری اسلامی ایران، از جمله ابزارهای نظارتی و تأثیرات آن‌ها در شکل‌گیری سیاست‌های عمومی اشاره دارد. و یا "مطالعات فقهی و حقوقی" در زمینه "نظارت سیاسی و آزادی عمومی" که این اثر هم به مطالعات و نقش فقه اسلامی در تأسیس نهادهای نظارتی و بررسی قوانین اساسی جمهوری اسلامی ایران اشاره دارد که نقش نظارتی مردم را در چارچوب قانونی و فقهی تبیین می‌کنند. اما پیشینه‌ای که می‌توان برای این موضوع احصاء نمود مانند: نظارت بر حکومت و سازوکارهای آن در اسلام (محمد فلاح سلوک‌آبی ۸۸) و یا نظارت بر امور حاکمیت دینی از نظر اسلام و تأثیر آن بر سلامت اجتماعی (عباس قادری نسب) همچنین پایه‌های فقهی نظارت بر حکومت که به بررسی آموزه‌های فقهی در مورد نظارت بر اعمال حکومت و مسئولیت‌های حاکم طبق اصول اسلامی می‌پردازد و ایضا تطابق شریعت و نهادهای نظارتی که به بررسی سازگاری و انسجام نهادهای دولتی با اصول شریعت در زمینه نظارت و یا پاسخگویی و مسئولیت در حکومت اسلامی پرداخته است، شاید کمتر بصورت دقیق به موضوع این پژوهش پرداخته باشند.

۱. مفهوم حکمرانی اسلامی:

تعریف و اصول: حکمرانی اسلامی به معنای اداره جامعه بر اساس اصول و ارزش‌های اسلامی است. این نوع حکمرانی بر مبنای قرآن کریم، سنت پیامبر خدا و آموزه‌های اهل بیت شکل می‌گیرد اصولی چون عدالت، اخلاق، شفافیت و مشارکت عمومی از جمله ارکان این نوع حکمرانی هستند. (امام خمینی، روح‌الله (۱۳۶۰). ولایت فقیه: حکومت اسلامی) تاریخ حکمرانی اسلامی به دوران صدر اسلام بازمی‌گردد که پیامبر خدا و خلفاء برحقش که ائمه معصومین (علیهم‌السلام) می‌باشند، به عنوان الگوی حکمرانی اسلامی شناخته می‌شود. پس از آن، با ظهور حکومت‌های مختلف اسلامی، الگوهای متفاوتی از حکمرانی اسلامی شکل گرفت. در واقع حکمرانی اسلامی به مجموعه‌ای از اصول و قواعدی اشاره دارد که بر مبنای آموزه‌های دینی اسلام و ارزش‌های اخلاقی آن شکل می‌گیرد. این نوع حکمرانی به دنبال تحقق عدالت اجتماعی، حفظ کرامت انسانی، و تأمین رفاه

عمومی در جامعه است. حکمرانی اسلامی نه تنها به جنبه‌های سیاسی بلکه به ابعاد اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی نیز توجه دارد و سعی در ایجاد توازن میان این ابعاد دارد.

۲. مؤلفه‌های حکمرانی اسلامی

۱-۲. **عدالت:** عدالت یکی از اصول بنیادین حکمرانی اسلامی است. در قرآن و سنت پیامبر خدا، تأکید زیادی بر برقراری عدالت اجتماعی و اقتصادی وجود دارد. (بقره آیه ۲۸۲ و نساء ۱۳۵ و اعراف ۲۹ و حدید ۲۵ شورا ۱۵) حکمرانی اسلامی باید به گونه‌ای باشد که حقوق همه افراد جامعه به‌ویژه اقلیت‌ها و مستضعفان رعایت شود.

۲-۲. **مشورت و سطح آن در شورا:** مشورت یکی دیگر از مؤلفه‌های مهم حکمرانی اسلامی است. در نظام جمهوری اسلامی، اصل شورا به‌عنوان یک اصل اساسی در تصمیم‌گیری‌ها مطرح می‌شود. این امر نه تنها موجب افزایش مشارکت مردم در فرآیندهای سیاسی می‌شود بلکه به تقویت وحدت و همبستگی اجتماعی نیز کمک می‌کند. سطح مشورت نیز می‌تواند با در نظر گرفتن موضوع و مسئله و تخصص افراد مشورت دهنده تعیین گردد.

۳-۲. **حاکمیت قانون:** در حکمرانی اسلامی، قانون باید بر مبنای اصول اسلامی و شرع تدوین شود. حاکمیت قانون به معنای آن است که همه افراد جامعه، اعم از حاکمان و شهروندان، باید تابع قوانین باشند و هیچ‌کس فراتر از قانون نیست.

۴-۲. **حفظ کرامت انسانی:** در اسلام و به تبع آن حکمرانی اسلامی، انسان‌ها به‌عنوان موجوداتی با کرامت و ارزش ذاتی شناخته می‌شوند. (اسراء آیه ۷۰) بنابراین، هرگونه سیاست‌گذاری باید به گونه‌ای باشد که کرامت انسانی را حفظ کند و به ارتقاء سطح زندگی افراد کمک کند. (جعفری، محسن (۱۳۹۲) نظارت سیاسی در فقه اسلامی تهران: انتشارات دانشگاه آزاد اسلامی)

۵-۲. **توسعه پایدار:** حکمرانی اسلامی به توسعه پایدار توجه ویژه‌ای دارد. این توسعه باید متوازن باشد و به نیازهای حال و آینده جامعه پاسخ دهد. این امر شامل توجه به محیط زیست، عدالت اجتماعی و اقتصادی، و حفظ منابع طبیعی است.

۶-۲. **مشارکت در طبقات اجتماعی مختلف:** در حکمرانی اسلامی، مشارکت فعالانه مردم در تصمیم‌گیری‌ها و سیاست‌گذاری‌ها ضروری است. این مشارکت می‌تواند از طریق انتخابات، فعالیت‌های مدنی و نهادهای اجتماعی صورت گیرد که این عمومی‌ترین و پایین‌ترین

طبقات تحقق آن است تا بالاترین طبقات که نخبگان سیاسی را شامل می‌شود. در جامعه‌ای که مشارکت اجتماعی بالا باشد، طبیعتاً فساد حکومتی پایین می‌آید.

۷-۲. **مسئولیت‌پذیری:** مسئولیت‌پذیری یکی دیگر از ارکان حکمرانی اسلامی است. حاکمان باید نسبت به اعمال خود پاسخگو باشند و در برابر مردم شفافیت داشته باشند. (محمودی، رضا (۱۳۸۹)) "نظارت مردم بر مقامات دولتی در قوانین جمهوری اسلامی ایران" مجله حقوق عمومی) در غیر این صورت منحنی می‌گردد. با توجه به آنچه گفته شد، جمع بین حکمرانی اسلامی و جمهوریت در قالب نظام جمهوری اسلامی، نیازمند توجه به این مولفه‌ها و تلاش برای تحقق آنها در عمل است. با توجه به اصول فوق، می‌توان به سمت ایجاد جامعه‌ای عادلانه، مشارکتی و توسعه یافته حرکت کرد که نه تنها به منافع مادی بلکه به ارزش‌های معنوی نیز توجه داشته باشد.

۳. مفهوم جمهوریت:

تعریف و اصول: جمهوریت به معنای حکومت مردم بر مردم است. در این نظام، قدرت سیاسی از طریق رأی‌گیری و مشارکت عمومی به دست می‌آید. اصولی چون آزادی، برابری و حق انتخاب از جمله ارکان جمهوریت هستند. (سعید، عبدالعلی (۱۳۸۵)) نظارت سیاسی در نظام جمهوری اسلامی ایران. تهران: انتشارات دانشگاه تهران) تاریخچه مفهوم جمهوریت گرچه به‌ظاهر به دوران انقلاب فرانسه برمی‌گردد. اما "جمهوری" عنوان کتابی از افلاطون است و پیشینه‌اش دستکم به دوره یونان باستان می‌رسد. و در طول تاریخ با تحولات مختلفی روبرو شده است. در ایران نیز جنبش‌های مشروطه‌خواهی و انقلاب اسلامی به دنبال تحقق آرمان‌های جمهوریتی بودند. جمهوریت به نظامی سیاسی اطلاق می‌شود که در آن حاکمیت از آن مردم است و قدرت سیاسی بر اساس اراده و انتخاب شهروندان شکل می‌گیرد. در این نوع نظام، مردم حق دارند نمایندگان خود را انتخاب کنند و در فرآیند تصمیم‌گیری‌های کلان جامعه مشارکت داشته باشند. جمهوریت به‌عنوان یک اصل بنیادین در نظام‌های مردم سالار، بر پایه ارزش‌هایی چون آزادی، برابری و عدالت اجتماعی بنا شده است. در جمهوری اسلامی ایران، مفهوم جمهوریت با اصول اسلامی ترکیب شده و به دنبال ایجاد توازن میان دین و حکمرانی مردمی است.

۴. مؤلفه های جمهوریت:

۴-۱. **حاکمیت مردم:** در یک نظام جمهوری، حاکمیت از آن مردم است و تمامی قدرت‌های سیاسی باید به‌طور مستقیم یا غیرمستقیم از اراده شهروندان نشأت بگیرد. این اصل موجب می‌شود که مردم در فرآیندهای انتخاباتی و تصمیم‌گیری‌های کلان کشور نقش فعالی داشته باشند.

۴-۲. **انتخابات آزاد و منصفانه:** برگزاری انتخابات آزاد، شفاف و منصفانه یکی از ارکان اساسی جمهوریت است. این انتخابات باید به گونه‌ای باشد که تمامی گروه‌ها و افراد بتوانند بدون هیچ‌گونه تبعیضی در آن شرکت کنند و صدای خود را به گوش مسئولان برسانند.

۴-۳. **تفکیک قوا:** در نظام‌های جمهوری، تفکیک قوا به‌عنوان یکی از اصول بنیادین مطرح می‌شود. این اصل به معنای تقسیم قدرت بین قوای مجریه، مقننه و قضائیه است تا از تمرکز قدرت جلوگیری شود و هر قوه بتواند به‌طور مستقل عمل کند.

۴-۴. **حقوق بشر و آزادی‌های فردی:** جمهوریت به‌معنای احترام به حقوق بشر و آزادی‌های فردی است. در یک نظام جمهوری، حقوق شهروندان باید مورد احترام قرار گیرد و هر گونه نقض این حقوق باید مورد پیگیری قرار گیرد. آزادی بیان، آزادی تجمع و حق اعتراض از جمله حقوق اساسی هستند که در جمهوریت باید حفظ شوند.

۴-۵. **حسابرسی و پاسخگویی:** مسئولان در یک نظام جمهوری باید نسبت به اعمال خود پاسخگو باشند و سازوکارهایی برای حسابرسی وجود داشته باشد. این امر موجب افزایش شفافیت و اعتماد عمومی به نهادهای حکومتی می‌شود. گاهی منفعت طلبی‌های شخصی در قالب مصلحت نظام مانع این امر می‌شود.

۴-۶. **مشارکت اجتماعی:** مشارکت فعال مردم در فرآیندهای سیاسی، اجتماعی و اقتصادی یکی از مولفه‌های کلیدی جمهوریت است. (موسسه پژوهشی امام‌خمينی (ره) (۱۳۹۹) "نظارت سیاسی در جمهوری اسلامی ایران") این مشارکت می‌تواند از طریق نهادهای مدنی، احزاب سیاسی و سایر ساختارهای اجتماعی صورت گیرد.

۴-۷. **نهادهای مدنی:** وجود نهادهای مدنی مستقل و فعال که بتوانند صدای مردم را نمایندگی کنند، یکی دیگر از ارکان جمهوریت است. این نهادها می‌توانند در فرآیندهای سیاسی و اجتماعی نقش مؤثری ایفا کنند. به این ترتیب جمع بین حکمرانی اسلامی و جمهوریت در قالب نظام جمهوری اسلامی ایران نیازمند توجه به این مولفه‌هاست. با توجه به اصول جمهوریت،

می‌توان به سمت ایجاد جامعه‌ای عادلانه، مشارکتی و توسعه‌یافته حرکت کرد که نه تنها به منافع مادی بلکه به ارزش‌های معنوی نیز توجه داشته باشد. توازن میان اصول اسلامی و مولفه‌های جمهوریت می‌تواند به تحقق اهداف کلان نظام جمهوری اسلامی کمک کند و زمینه‌ساز توسعه پایدار و عدالت اجتماعی که مطلوب همه هست، باشد.

۵. جمهوری اسلامی:

جمهوری اسلامی ایران به عنوان یک الگوی خاص از حکمرانی، تلاش دارد تا دو مفهوم کلیدی «جمهوریت» و «اسلامیت» را در یک چارچوب واحد جمع کند. این دو مفهوم، هر کدام دارای ویژگی‌ها و اصول خاص خود هستند که در عین حال می‌توانند به عنوان مکمل یکدیگر عمل کنند. نظام جمهوری اسلامی به عنوان یک الگوی حکمرانی، ترکیبی از اصول جمهوریخواهی و ارزش‌های اسلامی است که در آن حاکمیت از آن مردم بوده و در عین حال، بر اساس آموزه‌های دینی و اخلاقی اسلام شکل می‌گیرد. (مرکز تحقیقات اسلامی مجلس شورای اسلامی، ۱۳۹۸). نظارت مردم در جمهوری اسلامی ایران این نظام در ایران پس از انقلاب اسلامی ۱۳۵۷ به وجود آمد و هدف آن ایجاد جامعه‌ای عادلانه، اسلامی و حکومت مردمی است. در نظام جمهوری اسلامی، مردم از طریق انتخابات آزاد و منصفانه نمایندگان خود را انتخاب می‌کنند، اما این انتخاب‌ها باید با اصول اسلامی و شریعت همخوانی داشته باشد.

۶. مؤلفه‌های نظام جمهوری اسلامی:

۱-۶. **حاکمیت مردم:** یکی از ارکان اصلی نظام جمهوری اسلامی، حاکمیت مردم است. در این نظام، مردم از طریق رأی‌گیری و مشارکت در فرآیندهای سیاسی، قدرت را به نمایندگان خود واگذار می‌کنند. این اصل نشان‌دهنده اهمیت اراده و انتخاب شهروندان در تعیین سرنوشت خود است.

۲-۶. **ولایت فقیه:** یکی از ویژگی‌های منحصر به فرد نظام جمهوری اسلامی، وجود نهاد مقدس اصل مرقیه ولایت فقیه است. ولی فقیه به عنوان رهبر نظام، مسئولیت هدایت جامعه را بر عهده دارد و نقش کلیدی در تصمیم‌گیری‌های کلان کشور ایفا می‌کند. این نهاد به دنبال حفظ اصول اسلامی و هدایت جامعه بر اساس ارزش‌های دینی و وجاهت شرعی حکومت و مطابقت آن با دستورات شرعی است.

۳-۶. **تفکیک قوا:** در نظام جمهوری اسلامی، تفکیک قوا به عنوان یک اصل بنیادین مطرح

است. قوای مجریه، مقننه و قضائیه باید به‌طور مستقل عمل کنند تا از تمرکز قدرت جلوگیری شود. این تفکیک موجب می‌شود که هر قوه بتواند وظایف خود را به‌خوبی انجام دهد و نظارت بر عملکرد دیگر قوا نیز ممکن باشد.

۶-۴. حقوق بشر و آزادی‌های فردی: نظام جمهوری اسلامی به‌دنبال تأمین حقوق بشر و آزادی‌های فردی در چارچوب موازین اسلامی است. این حقوق شامل آزادی بیان، آزادی تجمع و حق اعتراض می‌شود که باید در راستای حفظ ارزش‌های دینی و اخلاقی جامعه قرار گیرد. (قانون اساسی فصل سوم اصل نوزدهم).

۶-۵. مشارکت اجتماعی: مشارکت فعال مردم در فرآیندهای سیاسی و اجتماعی از دیگر مولفه‌های کلیدی نظام جمهوری اسلامی است. نهادهای مدنی، احزاب سیاسی و گروه‌های اجتماعی باید بتوانند نقش مؤثری در شکل‌دهی به سیاست‌ها و تصمیمات کشور ایفا کنند.

۶-۶. عدالت اجتماعی: یکی از اهداف اصلی نظام جمهوری اسلامی، تحقق عدالت اجتماعی است. این عدالت نه تنها شامل توزیع عادلانه منابع اقتصادی بلکه همچنین تأمین فرصت‌های برابر برای تمامی افراد جامعه می‌شود. این فرصت‌های برابر به توزیع عادلانه منابع اقتصادی و جلوگیری از فساد کمک می‌کند.

۶-۷. پاسخگویی و شفافیت: مسئولان در نظام جمهوری اسلامی باید نسبت به اقدامات خود پاسخگو باشند. ایجاد سازوکارهای نظارتی و حسابرسی باعث افزایش شفافیت و اعتماد عمومی به نهادهای حکومتی می‌شود. می‌توان گفت نظام جمهوری اسلامی به‌عنوان یک الگوی حکمرانی منحصر به فرد، تلاش دارد تا توازن میان اصول حکمرانی و ارزش‌های اسلامی را برقرار کند. با تأکید بر مولفه‌های کلیدی مانند حاکمیت مردم، ولایت فقیه، تفکیک قوا و عدالت اجتماعی، این نظام به دنبال ایجاد جامعه‌ای پویا و متعادل است که در آن حقوق شهروندان محترم شمرده شود و اصول اخلاقی و دینی نیز رعایت گردد. بدین ترتیب، نظام جمهوری اسلامی می‌تواند به عنوان یک الگو موفق برای ترکیب دین و جمهوریت معرفی شود.

۷. اشتراکات بین حکمرانی اسلامی و جمهوریت در قالب نظام جمهوری اسلامی:

نظام جمهوری اسلامی ایران به عنوان یک الگوی منحصر به فرد، تلاش دارد تا اصول حکمرانی اسلامی را با مفاهیم حکمرانی مردمی و جمهوریت ترکیب کند. این نظام به دنبال ایجاد

تعادل میان اقتدار دینی و اراده مردمی است. در این راستا، بررسی اشتراکات بین حکمرانی اسلامی و جمهوریت در نظام جمهوری اسلامی می‌تواند به فهم بهتر از این الگو حکمرانی کمک کند. در ادامه به بررسی این اشتراکات به ترتیب اهمیت می‌پردازیم.

۷-۱. مشارکت مردم در قالب حق رأی و نظر عمومی: یکی از اصول بنیادین جمهوریت،

مشارکت مردم در تعیین سرنوشت خود از طریق انتخابات و دیگر سازوکارهای حکمرانی مردمی است. در نظام جمهوری اسلامی، این مشارکت در چارچوب اصول اسلامی و ارزش‌های دینی صورت می‌گیرد. به عبارت دیگر، مردم با رأی خود می‌توانند نمایندگان و مقامات را انتخاب کنند، اما این انتخاب باید با معیارهای اسلامی هم‌راستا باشد در نظام جمهوری اسلامی، انتخابات آزاد و منصفانه به‌عنوان یکی از ارکان جمهوریت شناخته می‌شود که به مردم این امکان را می‌دهد تا نمایندگان خود را انتخاب کنند و در تعیین سرنوشت خود نقش داشته باشند. این اشتراک نه تنها به مشروعیت نظام کمک می‌کند بلکه باعث افزایش احساس مسئولیت اجتماعی نیز می‌شود. (مرکز تحقیقات اسلامی مجلس شورای اسلامی (۱۳۹۸) نظارت مردم در جمهوری اسلامی ایران تحلیل فقهی و حقوقی) در اسلام مشورت به‌عنوان یک اصل اساسی مطرح شده است که به معنای ضرورت مشاوره و مشارکت اعضای جامعه در تصمیم‌گیری‌ها می‌باشد.

۷-۲. عدالت اجتماعی: هر دو مفهوم جمهوریت و اسلامیت بر عدالت اجتماعی تأکید

دارند. جمهوریت به دنبال تحقق عدالت از طریق توزیع عادلانه قدرت و منابع است، در حالی که اسلامیت نیز بر اساس آموزه‌های دینی به عدالت و انصاف در جامعه تأکید می‌کند. بنابراین، هر دو رویکرد می‌توانند برای ایجاد جامعه‌ای عادلانه همکاری کنند.

۷-۳. حاکمیت قانون: در نظام جمهوری اسلامی، حاکمیت قانون به عنوان یکی از ارکان

اصلی شناخته می‌شود. این اصل نه تنها در جمهوریت بلکه در اسلام نیز مورد تأکید قرار دارد. قوانین باید بر اساس اصول اسلامی تدوین شوند و در عین حال، رعایت حقوق شهروندان و آزادی‌های فردی نیز مورد توجه قرار گیرد.

۷-۴. عدالت اجتماعی: عدالت اجتماعی یکی دیگر از اصول بنیادین در حکمرانی

اسلامی است که در مفهوم جمهوریت نیز جایگاه ویژه‌ای دارد. در اسلام، تأمین عدالت و رفع تبعیض از مهم‌ترین وظایف حکومت به شمار می‌رود. نظام جمهوری اسلامی ایران نیز بر اساس این اصل، تلاش می‌کند تا فرصت‌های برابر برای همه اقشار جامعه فراهم آورد. عدالت اجتماعی

به عنوان یک هدف مشترک، می‌تواند به کاهش نارضایتی‌های اجتماعی و تقویت همبستگی ملی کمک کند.

۷-۵. مسئولیت‌پذیری و پاسخگویی: حکمرانی اسلامی بر اساس اصول اخلاقی و انسانی بنا

شده است که مسئولیت‌پذیری را در رأس امور قرار می‌دهد. در نظام جمهوری اسلامی، مقامات باید پاسخگوی اعمال خود باشند و در برابر مردم مسئولیت‌پذیر باشند. این اصل نه تنها به تقویت اعتماد عمومی منجر می‌شود بلکه باعث افزایش شفافیت در اداره امور کشور نیز می‌گردد. پاسخگویی مقامات به مردم، یکی از نشانه‌های بارز جمهوریت است که در حکمرانی اسلامی نیز مورد تأکید قرار دارد.

۷-۶. احترام به حقوق بشر: احترام به حقوق بشر از جمله اصول مشترک بین حکمرانی

اسلامی و جمهوریت است. در اسلام، حقوق بشر به عنوان یک اصل اساسی شناخته شده و بر تأمین آن تأکید می‌شود. نظام جمهوری اسلامی نیز باید تلاش کند تا حقوق شهروندان را محترم شمارد و از آن‌ها حمایت کند. این امر نه تنها به تقویت اعتبار نظام کمک می‌کند بلکه باعث ایجاد فضای امن و آرام برای زندگی مردم می‌شود. و از طرفی با حفظ کرامت انسانی موجب ایجاد امید و انگیزه در جامعه می‌گردد.

۷-۷. توسعه فرهنگی و آموزشی: توسعه فرهنگی و آموزشی یکی دیگر از اشتراکات مهم

بین حکمرانی اسلامی و جمهوریت است. در اسلام، علم‌آموزی و ارتقاء سطح آگاهی جامعه از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است. نظام جمهوری اسلامی باید بر روی توسعه آموزش و پرورش تأکید کند تا نسل‌های آینده بتوانند با آگاهی کامل در فرآیندهای سیاسی مشارکت کنند. ارتقاء سطح فرهنگی جامعه، باعث تقویت هویت ملی و مذهبی خواهد شد که در نهایت به تقویت جمهوریت کمک می‌کند.

۷-۸. حفظ هویت ملی و دینی: حفظ هویت ملی و دینی یکی دیگر از اصول مشترک بین

حکمرانی اسلامی و جمهوریت است. نظام جمهوری اسلامی ایران باید تلاش کند تا هویت ملی را با ارزش‌های اسلامی ترکیب کند و فضایی را فراهم آورد که همه اقشار جامعه بتوانند به هویت خود افتخار کنند. این امر نه تنها باعث انسجام اجتماعی می‌شود بلکه می‌تواند به تقویت اعتماد عمومی نسبت به نظام نیز کمک کند.

۷-۹. توسعه اقتصادی پایدار: توسعه اقتصادی پایدار یکی دیگر از اشتراکات بین حکمرانی

اسلامی و جمهوریت است. در اسلام، تأمین معیشت مردم و ایجاد فرصت‌های اقتصادی برابر از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است. نظام جمهوری اسلامی باید برنامه‌های اقتصادی را به گونه‌ای طراحی کند که همه اقشار جامعه از ثمرات آن بهره‌مند شوند. توسعه اقتصادی پایدار نه تنها به کاهش فقر کمک می‌کند بلکه باعث افزایش رضایت عمومی و تقویت مشروعیت نظام خواهد شد. با این توضیح جمع بین حکمرانی اسلامی و جمهوریت در نظام جمهوری اسلامی ایران نیازمند توجه جدی به اشتراکات میان این دو مفهوم است. مشارکت مردمی، عدالت اجتماعی، مسئولیت‌پذیری، احترام به حقوق بشر، توسعه فرهنگی و آموزشی، حفظ هویت ملی و دینی، و توسعه اقتصادی پایدار از جمله اصولی هستند که می‌توانند به تقویت این نظام کمک کنند.

۸. تعارضات و چالش‌های اصلی بین حکمرانی اسلامی و جمهوریت در دوره معاصر:

حکمرانی اسلامی به معنای اداره جامعه بر اساس اصول و ارزش‌های اسلامی است. این نوع حکمرانی بر پایه آموزه‌های دینی، فقه اسلامی و نظریه‌های مربوط به ولایت فقیه بنا شده است. در این نظام، ولی فقیه به عنوان رهبری دینی و سیاسی، نقش کلیدی در هدایت جامعه ایفا می‌کند. جمهوریت هم به معنای حاکمیت مردم و مشارکت آن‌ها در فرآیندهای سیاسی است. در یک نظام جمهوری، مردم از طریق انتخابات آزاد و منصفانه نمایندگان خود را انتخاب می‌کنند و این نمایندگان مسئولیت اداره کشور را بر عهده دارند. با در نظر گرفتن این دو مفهوم تعارضاتی متصور است که می‌تواند به این ترتیب باشد.

الف: تعارضات اصلی بین حکمرانی اسلامی و جمهوریت: از آنجایی که در تعارضات دو طرف عارض بر یکدیگر دیگری را رد و خود را اثبات می‌کند می‌بایست بگونه‌ی نگرینست که با رفع این تعارض تاجای ممکن به جمع آن دو منتهی گردد.

۱. **محدودیت‌های دینی:** یکی از چالش‌های اصلی در جمع بین جمهوریت و اسلامیت، محدودیت‌هایی است که ممکن است بر اساس اصول اسلامی بر آزادی‌های فردی و سیاسی اعمال شود. به عنوان مثال، برخی از احکام اسلامی ممکن است به نوعی با آزادی‌های حکمرانی مردمی تعارض داشته باشند.

۲. **تفسیرهای متفاوت:** تفسیرهای مختلف از اصول اسلامی می‌تواند منجر به اختلاف نظر در زمینه‌های سیاسی و اجتماعی شود. این موضوع می‌تواند به تعارضاتی بین گروه‌های مختلف

سیاسی و دینی منجر شود که هر کدام سعی دارند تفسیر خود را از اسلام به عنوان مبنای حکمرانی ارائه دهند.

۳. محدودیت‌های آزادی بیان: در حکمرانی اسلامی، برخی از آزادی‌های فردی و اجتماعی به دلیل رعایت موازین شرعی محدود می‌شود. این محدودیت‌ها می‌توانند با اصول جمهوریت که بر پایه آزادی بیان و حق اعتراض تأکید دارد، در تضاد باشند. به عنوان مثال، برخورد با اعتراضات مدنی یا محدود کردن رسانه‌ها به بهانه حفظ امنیت ملی یا ارزش‌های اسلامی، می‌تواند احساس نارضایتی عمومی را افزایش دهد.

۴. عدم درک صحیح از نقش ولی فقیه: حاکمیت ولی فقیه و مشارکت مردم شاید از نظر بعضی در ظاهر به نوعی تعارض میان حکمرانی اسلامی و جمهوریت، محسوب شود اما در نظام جمهوری اسلامی، ولی فقیه به عنوان رهبری عادل، قدرت و اختیارات خود را در راستای اجرای شریعت و قانون در جهت اعمال خواست و اراده عموم بکار می‌گیرد. (قانون اساسی اصل پنجاه و هفتم) در نظام جمهوری اسلامی، ولی فقیه به عنوان مقام رسمی با اختیارات لازم شناخته می‌شود. این اختیارات ممکن است در برخی موارد بر اراده ظاهری و مقطعی مردم غلبه کند گرچه از نظر بعضی این موضوع ممکن است به نوعی با اصول جمهوریت تعارض داشته باشد اما از آنجایی که در حکومت دینی نیز بر حق تعیین سرنوشت تأکید شده این اختیارات ولی فقیه در راستای سلب این حق نیست. بلکه حکم مرشد و راه‌بلدی هست که با دیدی وسیع‌تر افقی را می‌بیند و صحت تصمیمات جلوتر و رد شدن از گذرگاه‌های صعب العبور روشن می‌شود.

ب: چالش‌های اصلی بین حکمرانی اسلامی و جمهوریت: چالش‌ها در واقع تراحماتی هستند که گرچه به مانند تعارضات با اثبات خود دیگری را نفی نمی‌کنند اما می‌بایست راهی برای حل آنها ارائه داد.

۱. ولایت مطلقه در ولی فقیه و اراده مردم: حاکمیت مطلقه ولی فقیه به عنوان رهبری مطلقه در نظام جمهوری اسلامی، همانگونه که در عنوان قبل (ولایت فقیه) پرداخته شد، نمی‌تواند تعارضی ایجاد کند که به نوعی چالش محسوب شود. چرا که بیشتر تصمیم‌گیری‌ها با مشورت با نهادهای منتخب مردم و خواست و اراده عمومی اتخاذ شود. لذا از این حیث می‌تواند حس اعتمادی و رضایتمندی عمومی را افزایش دهد تا مانع از عدم مشارکت فعال مردم در فرآیندهای سیاسی شود.

۲. محدودیت‌های آزادی بیان و حقوق بشر: محدودیت‌های موجود بر آزادی‌های فردی و

اجتماعی به‌ویژه در زمینه آزادی بیان، یکی دیگر از چالش‌های جدی است. این محدودیت‌ها می‌توانند مانع از شکل‌گیری یک فضای سیاسی باز و رقابتی شوند و احساس سرخوردگی را در میان نسل جوان افزایش دهند. در نتیجه، این موضوع می‌تواند به افزایش ناراضی‌های اجتماعی منجر شود.

۳. تغییرات فرهنگی و اجتماعی: تغییرات فرهنگی و اجتماعی به ویژه در نسل جوان، چالشی دیگر برای نظام جمهوری اسلامی است. از آنجایی که با گذر ایام تغییرات نه تنها یک امر طبیعی بلکه یک امر بدیهی است از طرفی پس از گذشت مدتی چون نسلها در طول هم قرار دارند نسل قبل نمی‌تواند بر نسل بعد احاطه کامل داشته باشد بطوری که سبک زندگی، فرهنگ و طرز فکر خود را تحمیل یا حتی بقبولاند لذا این نسل که تحت تأثیر فناوری‌های نوین و رسانه‌های اجتماعی قرار دارد، خواهان تغییرات اساسی در ساختار سیاسی و اجتماعی کشور است. این تغییرات می‌تواند فشارهایی برای اصلاحات سیاسی ایجاد کند و ممکن است با اصول حکمرانی اسلامی در تضاد باشد.

۴. چالش‌های ناشی از تعارضات و تحولات بین‌المللی معاصر: عده‌ای معتقدند با گذشت بیش از چهار دهه از تأسیس نظام جمهوری اسلامی، چالش‌های جدیدی نیز به وجود آمده‌اند که تعارضات میان حکمرانی اسلامی و جمهوریت را تشدید کرده‌اند. که باید گفت این بیشتر ناشی از عدم عملکرد مسئولین امر و سوء برداشتهای عمدی م غیر عمدی عده‌ای است. واضح است که برخی تغییرات در سیاست‌های بین‌المللی می‌تواند بر حکمرانی اسلامی و جمهوریت تأثیرگذار باشد که ممکن است موردی، مقطعی و یا عمومی و دائمی باشد. این فشارهای خارجی ممکن است موجب تقویت رویکردهای سخت‌گیرانه‌تر شود که با اصول جمهوریت در تضاد باشد و موجب شود متقابلاً رویکردهای سخت‌گیرانه‌تری اتخاذ شود که با اصول جمهوریت در تضاد باشند. مردم انتظار دارند که دولت پاسخگو باشد و برنامه‌هایی برای بهبود شرایط ایجاد شده ارائه دهد در حالی که حکمرانی اسلامی ممکن است بر اصول اخلاقی تأکید کند تا موجب فاصله گرفتن از این اصول اخلاقی نشود. اکنون برخی از فشارهای بین‌المللی با اهرم تحریم‌ها موجب ایجاد چالش‌های جدی برای نظام جمهوری اسلامی شده‌اند. این فشارها نه تنها بر اقتصاد کشور تأثیر گذاشته بلکه می‌تواند بر سیاست‌های داخلی نیز تأثیرگذار باشند. در چنین شرایطی، ممکن است تغییرات شگرفی را در سطح جامعه ایجاد کند.

۹. فرصت‌ها برای رفع تعارضات بین حکمرانی اسلامی و جمهوریت:

یکی از چالش‌های اصلی جمع بین حکمرانی اسلامی و جمهوریت، تعارض اصولی است که ممکن است منجر به تضاد در تصمیم‌گیری‌ها شود. برخی از اصول اسلامی ممکن است محدودیت‌هایی برای آزادی‌های فردی ایجاد کنند که با مفهوم جمهوریت در تضاد است. مانند توجه به خواسته‌های مردم در برخی موارد، ممکن است خواسته‌های عمومی با اصول اسلامی همخوانی نداشته باشد. اما در این میان فرصت‌هایی نیز وجود دارد. که می‌تواند به رفع این ناهمخوانی‌ها کمک کند مانند تقویت تصمیمات اخذ شده مبتنی بر حکمرانی اسلامی با اطلاع رانی‌های صحیح لازم و به موقع از طریق رسانه‌ی فراگیر و عمومی چراکه جمع بین این دو مفهوم (حکمرانی اسلامی و جمهوریت) می‌تواند مشروعیت نظام را تقویت کند و باعث افزایش اعتماد عمومی شود. ایجاد همگرایی که تعامل مثبت بین حکمرانی اسلامی و جمهوریت است، می‌تواند منجر به ایجاد همگرایی در جامعه شود.

۱. **ظرفیت مشارکت مردمی:** یکی از بزرگ‌ترین فرصت‌ها در نظام جمهوری اسلامی، ظرفیت بالای مشارکت مردمی است. مردم ایران همواره در انتخابات و فعالیت‌های اجتماعی حضور فعالی داشته‌اند. تقویت نهادهای مدنی و احزاب سیاسی می‌تواند به افزایش مشارکت مردم در فرآیندهای سیاسی کمک کند و به تقویت جمهوریت در نظام کمک نماید.

۲. **توسعه فناوری اطلاعات:** پیشرفت‌های فناوری اطلاعات و ارتباطات می‌تواند فرصتی برای ایجاد یک فضای باز سیاسی فراهم کند. رسانه‌های اجتماعی و وبسایت‌های خبری می‌توانند بستری برای تبادل نظر و گفت‌وگو عمومی باشند که می‌تواند به تقویت حکمرانی مردمی و مشارکت مدنی کمک کند.

۳. **تنوع فرهنگی و قومی و نقش جوانان:** ایران به عنوان کشوری با تنوع فرهنگی و قومی بالا و نسل جوانی که به دنبال تغییرات مثبت است، می‌تواند به عنوان نیروی محرکه‌ای برای تحول در نظام جمهوری اسلامی عمل کند. اگر نظام بتواند نیازها و خواسته‌های این نسل را شناسایی کرده و پاسخ دهد، می‌تواند زمینه‌ای برای تحول مثبت فراهم آورد.

بنابراین جمع بین حکمرانی اسلامی و جمهوریت در نظام جمهوری اسلامی ایران با چالش‌ها و فرصت‌هایی نظیر تعارضات ظاهری بین حاکمیت ولی نظام و اراده مردم، محدودیت‌های مقطعی آزادی بیان در مواردی، بحران‌های اقتصادی ناشی از عملکرد نادرست

مسئولین، تغییرات فرهنگی و اجتماعی، و چالش‌های بین‌المللی روبروست که نیازمند توجه جدی هستند. از سوی دیگر، فرصت‌هایی مانند ظرفیت مشارکت مردمی، توسعه فناوری اطلاعات، آمادگی برای اصلاحات، تنوع فرهنگی و قومی، و نقش جوانان می‌توانند بعنوان ابزارهایی برای پیشبرد اهداف نظام استفاده شوند.

۱۰. راهکارها برای رفع این تعارضات:

نهادهای مدنی می‌توانند با آموزش مردم درباره حقوق شهروندی و اصول اسلامی به ایجاد فهم مشترک از حکمرانی اسلامی و جمهوریت کمک کند. و با انجام اصلاحات قانونی برای هم‌راستا کردن قوانین با اصول اسلامی و حکمرانی مردمی به تحقق اهداف مشترک کمک کند.

۱. **تقویت نهادهای مدنی و مشارکت مردمی در چالش‌ها:** همانطور که در بالا عرض شد عده‌ای معتقدند یکی از چالش‌های ممکن در نظام جمهوری اسلامی، تعارضات ظاهری بین حاکمیت ولی فقیه و اراده مردم است. با توجه به پاسخی هم که در بالا عرض شد، این تعارضات احتمالی ممکن است احساس بی‌اعتمادی و نارضایتی عمومی را افزایش دهند. یا عده‌ای بخواهند آن را واقعی و از آن سوء استفاده کنند اما تقویت نهادهای مدنی و ایجاد فضایی برای مشارکت فعال مردم در فرآیندهای سیاسی، می‌تواند به کاهش این تعارضات کمک کند. دولت باید به احزاب سیاسی و سازمان‌های غیردولتی اجازه دهد که به طور آزادانه فعالیت کنند و صدای مردم را به گوش مسئولان برسانند. برگزاری انتخابات آزاد و منصفانه که مورد تایید قانون در نظام جمهوری اسلامی باشد همچنین ایجاد بسترهایی برای مشارکت مردم در تصمیم‌گیری‌ها، می‌تواند به تقویت جمهوریت در نظام کمک کند.

۲. **اصلاحات در قوانین و سیاست‌های حقوق بشر:** محدودیت‌های موجود بر آزادی‌های فردی و اجتماعی، یکی دیگر از چالش‌های جدی است که مانع از شکل‌گیری یک فضای سیاسی باز می‌شود. راهکار این است که قوانین و سیاست‌های حقوق بشری مورد بازنگری قرار گیرند. دولت باید به تعهدات بین‌المللی خود در زمینه حقوق بشر پایبند باشد و اصلاحاتی در قوانین مربوط به آزادی بیان، تجمعات و فعالیت‌های سیاسی انجام دهد.

از آنجایی که منشأ و انگیزه تدوین حقوق بشر در غرب مواردی چون رهایی از تحقیر و اهانت، همزیستی مسالمت‌آمیز با تحقق آزادی و عدالت و صلح جهانی بر مبنای حیثیت ذاتی

انسان است این قضایا گزاره‌های ارزشی هستند که انگیزه بخش تدوین این منشور شده‌اند. وجود چنین ویژگی‌هایی برای بشر ناشی از آن است که درک و تمایل به آن‌ها فطری و مبتنی بر وجدان همگان است، هرچند به دلایل مختلف شاید دست یابی به آن برای همگان ممکن نباشد. این حقوق دارای اصولی بنیادین و ثابت برای همه‌ی بشر در طول تاریخ بوده که موجب شده برای همه انسان‌ها محفوظ بماند که عبارتند از: حق کرامت و حیثیت، برادری و برابری همه انسان‌ها در برابر قانون، اصل حیات شایسته، حق تعلیم و تربیت، حق آزادی مسئولانه. اما مواد حقوق جهانی بشر از دیدگاه اسلام با برخورداری از اصول حقوق مبنایی پنج‌گانه (حق حیات، حق کرامت، حق تعلیم و تربیت، حق آزادی مسئولانه و حق مساوات ناشی از اتحاد انسان‌ها) از یک وحدت و انسجام مهم برخوردار است. به همین جهت است که هیچ تناقضی در میان مواد آن دیده نمی‌شود. در صورتی که حقوق جهانی بشر ملل متحد به جهت عدم توجه به اصول مبنایی و لزوم وحدت و انسجام میان آن‌ها از دادن پاسخ به تناقضی که در بعضی از مواد این حقوق دیده می‌شود ناتوان است... مثلاً آزادی بیان و قلم در ماده نوزدهم بدون هیچ قید و شرطی برای همگان تجویز شده است، در صورتی که این تعمیم در آزادی ممکن است در مواردی متهمی به اهانت بر شرف و کرامت مردم جامعه خود و یا اقوام و ملل دیگر شود و همچنین ممکن است فساد اخلاقی و حقوقی و سیاسی را در جامعه خود نویسنده یا در جوامع دیگر ترویج نماید. علاوه بر این در همین ماده بیست و نهم (بند ۱) می‌گوید: «هر کس در مقابل آن جامعه‌ای وظیفه دارد که رشد آزاد و کامل شخصیت او را میسر سازد». از این ماده می‌توان استفاده کرد که هر کس آن آزادی (مانند آزادی بیان) را می‌تواند محترم برشمارد که رشد آزاد و کامل شخصیت او را میسر سازد ولی مانع آن نباشد. و اگر گروهی به نحوی از آزادی استفاده کردند که مانع رشد آزاد و کامل شخصیت دیگران گشتند، در مابقی مفاد این ماده آمده است که: چنین آزادی نه تنها محترم نیست بلکه باید از آن جلوگیری به عمل آورد» لذا پیشنهاد می‌شود ایجاد یک کمیسیون مستقل حقوق بشر می‌تواند به نظارت بر اجرای این حقوق کمک کند و اعتماد عمومی را افزایش دهد.

۳. ایجاد فضای گفت‌وگو: فشارهای بین‌المللی و تحریم‌ها ممکن است رویکردهای سخت‌گیرانه‌تری را در نظام سیاسی ایجاد کنند. اما ایجاد فضای گفت‌وگو میان گروه‌های مختلف سیاسی و اجتماعی می‌تواند به کاهش تنش‌ها کمک کند. دولت باید به دنبال برقراری گفتگو با مخالفان خود باشد و زمینه‌ای برای تبادل نظر فراهم کند. این

گفت‌وگوها می‌توانند به شناسایی مشکلات موجود و یافتن راه‌حل‌های مشترک و مورد اتفاق کمک کنند همیشه و در هر شرایطی شاید نتوان به این امر پرداخت اما احساس اینکه مردم بدانند حرفشان شنیده و شرایطشان دیده می‌شود کمک بزرگی به بهبود شرایط جهت ایجاد فضای گفتگو خواهد کرد. به عنوان مثال احزاب سیاسی که در واقع بنگاه‌های سیاسی در جامعه هستند می‌توانند با پژواک صدای جامعه و برگزاری همایش‌هایی تحت عنوان بیان آزادانه به باز کردن این فضای گفتگو کمک کنند.

نتیجه گیری

با این تفصیل جمع بین حکمرانی اسلامی و جمهوریت در نظام جمهوری اسلامی ایران نیازمند توجه جدی به چالش‌ها و فرصت‌های موجود است. با توجه به اینکه بیش از چهار دهه از تأسیس این نظام گذشته است، لازم است که راهکارهایی عملی برای مقابله با چالش‌ها و بهره‌برداری از فرصت‌ها تدوین شود. تقویت نهادهای مدنی، اصلاحات در قوانین حقوق بشر، مدیریت بحران‌های اقتصادی، استفاده از فناوری اطلاعات، توجه به تنوع فرهنگی، ایجاد فضای گفت‌وگو و آموزش حقوق شهروندی از جمله راهکارهایی هستند که می‌توانند به تحقق اهداف حکمرانی اسلامی و جمهوریت کمک کنند. با اجرای این راهکارها، نظام جمهوری اسلامی قادر خواهد بود تا مشروعیتی که دارد را بیشتر از پیش در قالب مقبولیت خود را تقویت کرده و به دنیا نشان دهد و زمینه‌ساز توسعه پایدار اجتماعی و اقتصادی شود. جمع بین حکمرانی اسلامی و جمهوریت در قالب جمهوری اسلامی همچنین نیازمند توازن دقیق بین اصول دینی و نیازهای اجتماعی است. این توازن می‌تواند با تأکید بر مشارکت مردم، عدالت اجتماعی و حاکمیت قانون حاصل شود. البته چالش‌ها و تعارضات موجود نیز نیازمند گفت‌وگو و تعامل مستمر بین نهادهای مختلف جامعه است تا بتوان به یک الگوی کارآمد و پایدار دست یافت. این مسئله یک چالش مهم است که نیازمند توجه جدی به اصول و ارزش‌های هر دو حوزه است. با توجه به فرصت‌ها و چالش‌های موجود، می‌توان با اتخاذ راهکارهای مناسب، به تحقق این هدف نزدیک‌تر شد. با توجه به فرصت‌ها و چالش‌های موجود، می‌توان با اتخاذ راهکارهای مناسب، به تحقق این هدف نزدیک‌تر شد. نهادهای مدنی می‌توانند نقش مهمی در تحقق هم‌افزایی بین حکمرانی اسلامی و جمهوریت ایفا کنند. تقویت این نهادها می‌تواند به افزایش مشارکت عمومی و تقویت بنیادهای

حکمرانی مردمی نیز کمک کند. نظام جمهوری اسلامی ایران، به‌عنوان یک الگوی حکمرانی که تلاش دارد اصول اسلامی را با حکمرانی مردمی ترکیب کند، با چالش‌ها و فرصت‌های متعددی روبرو است. پس از گذشت بیش از چهار دهه از تأسیس این نظام، ضروری است که به بررسی راهکارهای مقابله با چالش‌ها و بهره‌برداری از فرصت‌ها بپردازیم. گرچه جمع بین حکمرانی اسلامی و جمهوریت در نظام جمهوری اسلامی ایران تا حدودی یک امر دشوار است. اما با توجه به تحولات اجتماعی، اقتصادی و بین‌المللی، که نیاز به بازنگری در برخی از اصول حکمرانی اسلامی احساس می‌شود می‌توان به یک توازن پایدار میان ارزش‌های دینی و خواسته‌های مردم دست یافت. این توازن نه‌تنها می‌تواند منجر به تقویت مشروعیت نظام شود بلکه زمینه‌ساز توسعه پایدار اجتماعی و اقتصادی نیز خواهد بود.

منابع

قرآن.

نهج البلاغه.

ابراهیمی، مصطفی؛ سلیمانی اصل، مصطفی؛ ابراهیم زاده، قاسم (۱۳۹۸). نظارت مردم بر حکومت:

مفاهیم و مصادیق در فقه اسلامی، فقه و حقوق اسلامی، ۲۴ (۳)، ۵۶-۸۲.

ابراهیمی، مصطفی (۱۳۹۸). نظارت مردم بر حکومت: مفاهیم و مصادیق در فقه اسلامی، فقه و

حقوق اسلامی، ۲۴ (۳)، ۵۶-۸۲.

امام خمینی، روح الله (۱۳۶۰) ولایت فقیه: حکومت اسلامی، تهران: موسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی (ره).

امامی، روح الله (۱۳۶۲). ولایت فقیه. تهران: انتشارات موسسه امام خمینی (ره).

توحیدی، محمد (۱۳۹۵) فقه سیاسی و نظارت بر حکومت. قم: موسسه امام صادق (ع).

جعفری، محسن (۱۳۹۲). نظارت سیاسی در فقه اسلامی تهران: انتشارات دانشگاه آزاد اسلامی.

سعید، عبدالعلی (۱۳۸۵). نظارت سیاسی در نظام جمهوری اسلامی ایران تهران: دانشگاه تهران.

شریعتی، علی (۱۳۵۷) اسلام شناسی، تهران: سپیده باوران.

شریف محمدرضا (۱۳۸۲). انقلاب آرام درآمدی بر تحول فرهنگ سیاسی در ایران معاصر، تهران:

انتشارات روزنه، چاپ اول.

شفیعی، احمد (۱۳۸۵). انقلاب اسلامی از دیدگاه رهبر انقلاب اسلامی، حصون، ۳ (۸)، ۱۴-۱.

شورای نگهبان جمهوری اسلامی ایران (۱۳۹۶) گزارش نظارت‌های شورای نگهبان بر انتخابات و

تصمیمات سیاسی تهران: شورای نگهبان.

قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران (۱۳۹۰). تهران: انتشارات میزان.

کاظمی، فاطمه (۱۳۹۷). نقش نظارت مردمی در تقویت مشروعیت نظام جمهوری اسلامی، علوم

سیاسی، ۱۸ (۱)، ۱۱۵-۱۳۴.

کدیور، محسن (۱۳۹۰) حکومت اسلامی: نظریه‌ها و چالش‌ها، تهران: نشر نی.

گزارش کمیسیون اصل ۹۰ مجلس شورای اسلامی (۱۳۹۵). نظارت و کنترل دولت توسط مردم:

بررسی چالش‌ها و راهکارها تهران: مجلس شورای اسلامی.

محمودی، رضا (۱۳۸۹). نظارت مردم بر مقامات دولتی در قوانین جمهوری اسلامی ایران، حقوق

عمومی، ۱ (۱)، ۵۱-۷۲.

مرکز تحقیقات اسلامی مجلس شورای اسلامی (۱۳۹۸). نظارت مردم در جمهوری اسلامی ایران،

تحلیل فقهی و حقوقی، www.irc.ac.ir

مطهری مرتضی (۱۳۸۳). امامت و رهبری. تهران: انتشارات صدرا.

مطهری مهدی (۱۳۹۷). هندسه انقلاب اسلامی برگرفته از رهبر کبیر انقلاب امام خمینی، تهران:

انتشارات انقلاب اسلامی، چاپ اول.

موسسه پژوهشی امام‌خمینی (ره) (۱۳۹۹). نظارت سیاسی در جمهوری اسلامی ایران،

www.imam-khomeini.ac.ir